

دکتر کریم حسین زاده دلیر

سعید ملکی

دانشگاه تبریز

بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در استان ایلام

چکیده

در این مقاله استان‌های کشور به‌ویژه استان ایلام، از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از روش‌های توصیفی و موردی - ژرفانگر است، که از روش توصیفی مبتنی بر تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات مستخرج از اسناد و مدارک علمی و معتبر و در تحلیل این شاخص‌ها در استان‌های کشور به‌ویژه استان ایلام، از روش موردی - زمینه‌ای استفاده شده است.

نتایج به دست آمده مطالعه نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، استان‌های تهران، اصفهان، قزوین، گیلان و فارس به دلیل بالا بودن سطح درآمدی و آموزش و وضعیت بهتر امید به زندگی از سایر استان‌ها بالاتر بوده‌اند و در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، اردبیل و کهگیلویه و بویراحمد از این لحاظ، در پایین‌ترین سطح توسعه‌ی انسانی قرار گرفته‌اند. پایین بودن سطح درآمد، سطح پایین سرمایه‌گذاری زیربنایی و کیفیت پایین زندگی، از جمله دلایل مهم در این خصوص است. عامل مشترکی که در روند توسعه‌ی انسانی بیشتر استان‌ها به چشم می‌خورد، این است که شاخص‌های آموزشی و امید به زندگی آن‌ها در مقایسه با شاخص درآمدی، در وضعیت بهتری قرار دارند. همچنین نتایج بررسی و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که استان ایلام با رتبه‌ی ۲۲ در بین استان‌های کشور در جایگاه نامطلوب و نامناسبی قرار گرفته است. از مهمترین دلایل آن می‌توان به متوسط امید به زندگی (۶۴ سال) با رتبه‌ی ۲۵، نرخ سوادبزرگسالان (۶۷٪) با رتبه‌ی ۲۲ و هزینه‌ی سرانه ناخالص (۱۴۰۹ هزار ریال) رتبه‌ی ۲۳ در سطح کشور اشاره کرد. شاخص دیگر، توسعه‌ی وابسته به جنس، که معادل ۵۲/۵ می‌باشد، در رتبه‌ی هجدهم قرار گرفته است. از مهمترین دلایل پایین بودن این شاخص

نسبت به متوسط کشور، تفاوت زیاد بین نرخ باسوادی بزرگسالان مرد (۷۴/۴٪) و بزرگسالان زن (۵۸/۴٪) می‌باشد. همچنین، سهم نسبی در آمد زنان استان، معادل ۷/۸٪ بوده که نسبت به متوسط ملی حدود ۲٪ فاصله دارد و استان را در رتبه‌ی هجدهم قرار داده است. شاخص توانمندسازی جنسیتی استان معادل ۲۲۶٪ بوده که فاصله‌ی زیادی نسبت به متوسط ملی (۳۰۰٪) داشته است و مقدار آن نیز برای استان در سطح مطلوبی قرار نداشته، تا حدی که در رتبه‌ی بیستم قرار گرفته است. شاخص فقر انسانی استان، معادل ۲۳/۷٪ بوده که در رتبه‌ی پانزدهم قرار گرفته است، یعنی در وضعیتی تقریباً پایین‌تر از حدود نیمی از مناطق کشور قرار دارد. بالا بودن نرخ بی سوادی بزرگسالان ۳۳٪، پایین بودن نسبت هزینه‌ی سرانه ناخالص برای ۲۰٪ فقیرترین افراد (۴۳۵ هزار ریال) در مقایسه با هزینه‌ی سرانه‌ی ناخالص برای ۲۰٪ غنی‌ترین افراد (۲۸۶۸ هزار ریال) استان که در حدود ۱۵/۳٪ می‌باشد، از مهمترین علل فقر انسانی استان محسوب می‌شوند. وضعیت توسعه‌ی انسانی نامطلوب در این استان، دلایل متعددی دارد که می‌توان به کمبود امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پایین بودن هزینه‌ی سرانه ناخالص و درآمد سرانه، نرخ اندک پس‌انداز و کمبود سرمایه‌گذاری، امید به زندگی پایین و میزان بالای بی‌سوادی بزرگسالان (حدود ۳۳٪) اشاره کرد.

درآمد:

اساس حرکت هر جامعه برای رسیدن به توسعه، عامل انسانی است. انسان‌ها هم عاملان توسعه و هم هدف نهایی آن هستند. به دلیل چنین اهمیتی، امروزه توسعه‌ی مردم محور در مرکز توجه بحث‌های توسعه‌ی انسانی قرار دارد. لذا بررسی ابعاد مختلف پیشرفت‌های انسانی، از قبیل اوضاع و احوال اقتصادی، فرهنگی و... در چارچوب توسعه‌ی پایدار یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر مباحث توسعه برای هر منطقه به شمار می‌رود. پروفیسور فردریک هاریسون^۱ در باره‌ی اهمیت منابع انسانی می‌گوید (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۴۶) منابع انسانی پایه‌ی اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند، سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولید هستند. در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی را می‌سازند و توسعه‌ی ملی را به پیش می‌برند.

1. Frederick Harbison

آمار تیاسن^۱ یکی از مؤثرترین افرادی است که در توسعه‌ی این ایده نقش زیادی داشته است. ایشان با طرح ایده‌ی ظرفیت‌ها و کارکردهای انسانی، این واقعیت را بیان کرده است که دست‌یابی به زندگی بهتر، هم‌نیازمند مصرف بیشتر کالاها و خدمات و هم‌ثمره‌ی پرورش و رشد استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. لذا گسترش ظرفیت‌های ذهنی او از طریق آموزش و تحصیلات در کنار درآمد، از عناصر اصلی توسعه‌ی انسانی به‌شمار می‌رود. (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۶۰). بر این اساس، کشوری که قادر به افزایش دانش و آگاهی انسان‌ها باشد و راه درست بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی را بیاموزد، در فرایند توسعه موفق‌تر خواهد شد.

در این مقاله پس از بیان مفهوم توسعه‌ی انسانی، به تبیین نقش و ضرورت توسعه‌ی انسانی پایدار پرداخته شده، سپس مؤلفه‌های شاخص‌های توسعه‌ی انسانی به‌طور اجمالی معرفی شده است، در ادامه بحث وضعیت شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در ایران و استان‌های کشور مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در پایان به بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در استان ایلام پرداخته شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله ترکیبی از روش‌های توصیفی و موردی - ژرفانگر است که از روش توصیفی مبتنی بر اطلاعات ارائه شده در اسناد و مدارک کتابخانه‌ای سازمانهای مختلف انتخاب شده است، سپس با بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در ایران و نیز استان‌های کشور، به‌ویژه استان ایلام، از روش موردی زمینه‌ای استفاده شده است. تکنیک گردآوری آمار و اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای مراکز علمی همچون دانشگاهها، مؤسسات و مراکز تحقیقاتی، سازمانها همچون سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و مرکز آمار ایران می‌باشد.

مفهوم توسعه‌ی انسانی

سازمان ملل متحد به‌عنوان معتبرترین مرجع، هدف از توسعه یافتگی با شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را انسان می‌داند. توسعه برای انسان است، بنابراین اگر اقتصادی رشد داشته باشد اما مردمان

1. Amartiasen

آن اقتصاد از این توسعه یافتگی بهره نبرده باشند، بی تردید این توسعه یافتگی ارزشی نخواهد داشت (Hijab, 2003: 43-45).

مفهوم توسعه‌ی انسانی به مراتب گسترده تر از مفاهیم قراردادی توسعه‌ی اقتصادی است، زیرا الگوهای رشد اقتصادی عموماً با گسترش تولید ناخالص ملی^۱ اندازه گیری می‌شوند، تا بهبود کیفیت و سطح زندگی انسان (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۱۸۸؛ ملکی، ۱۳۸۲: ۴۰) اما در الگوی توسعه‌ی انسانی، چهار عنصر اساسی به چشم می‌خورد، که عبارت‌اند از: بهره‌وری^۲، برابری^۳، پایداری^۴ و توانمندسازی^۵ (بشیرزادگان، ۱۳۸۰: ۶؛ احمدیان، ۱۳۸۰: ۴۱). بهره‌وری، مشارکت فعال مردم در فرآیند درآمدزایی و اشتغال به شمار می‌آید. برابری، به امکان مساوی کسب قابلیت‌ها و فرصت به کارگیری آنها مربوط می‌شود. پایداری، به مفهوم امکان ذخیره و جبران هر نوع سرمایه‌ی فیزیکی، انسانی و زیست محیطی است و توانمندسازی، نیز به این معنی است که توسعه توسط مردم صورت گیرد.

بر اساس برنامه‌ی سازمان ملل در سال‌های اخیر موضوع‌های اصلی توسعه‌ی انسانی متفاوت بوده است. تأکید بر تأمین مالی و توسعه‌ی انسانی، آثار ابعاد جهانی توسعه‌ی انسانی و مشارکت مردم، امنیت انسانی، جنسیت و توسعه‌ی انسانی، رشد اقتصادی، مصرف به منظور توسعه‌ی انسانی، ریشه‌کنی فقر، چهره‌ی انسانی و جهانی شدن، حقوق انسانی، فناوری‌های جدید در خدمت توسعه‌ی انسانی و تأمین حقوق انسانی از جمله محورهای کلیدی در ترسیم و دستیابی به توسعه‌ی انسانی بوده است (UN, 2003a: 12-15).

در نهایت این که، توسعه‌ی انسانی فرآیندی است که دامنه‌ی حق انتخاب از سوی مردم را گسترده تر می‌سازد. از این رو توسعه‌ی انسانی دارای دو جنبه است: یکی، شکل‌گیری توانمندی‌های انسانی، نظیر: افزایش سلامت، دانش و مهارت و دیگری به کارگیری این توانمندی‌های اکتسابی در راه مقاصد سازنده، کسب آسایش و آرامش یا فعالیت در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. چنانچه معیارهای توسعه‌ی انسانی نتواند تعادل لازم بین این دو جنبه را برقرار سازد، ممکن است انسان سخت دچار احساس ناکامی شود.

1. Gross National Product (GNP)
2. Productivity
3. Equality
4. Sustainability
5. Empowerment

تبیین توسعه‌ی انسانی پایدار

توسعه‌ی انسانی پایدار به این معناست که ما را از لحاظ اخلاقی موظف می‌کند در حق نسل بعدی دست کم به همان خوبی عمل کنیم که نسل پیش از ما در حق ما عمل کرده است. (زنگی آبادی و نسترن، ۱۳۸۰: ۲۵). توسعه‌ی پایدار انسانی دارای ابعاد زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی، قانونی، فرهنگی و سیاسی و روان‌شناسی است. اشکالی از توسعه‌ی پایدار پذیرفته شده که برای انسان‌ها بیشتر قابل پذیرش باشد (دارابی، ۱۳۷۹: ۴۷).

از نظر تیلر^۱ توسعه‌ی انسانی پایدار دارای سه اصل مهم زیر است (تیلر، ۱۳۷۸: ۱۷-۱۴):
 اول: توسعه‌ی انسانی پایدار حاصل درک مستقل نیازها و منابع محلی است. هر جامعه باید داده‌های مربوط به مسائل و مشکلات محلی خود را گردآوری کند تا بتواند اولویت‌های خود را تعیین نماید؛
 دوم: عمل باید حاصل ترکیب برنامه ریزی از پایین به بالا^۲ و از بالا به پایین^۳ باشد. برای تحقق این موضوع، تصمیم‌گیری باید مبتنی بر یک گفت‌وگو سه جانبه‌ی فراگیر، شامل: مقام‌های دولتی و غیر دولتی، کارشناسان و صاحبان مهارت‌ها و نمایندگان مردم باشد.
 سوم: پایداری تنها هنگامی ممکن است که عمل، حاصل اتکای به خود و مشارکت جامعه باشد. مشارکت و توانمند شدن خانواده‌ها، پیش شرط لازم برای یافتن راه حل‌های پایدار و قابل دوام برای توسعه‌ی پایدار انسانی است.

می‌توان گفت که توسعه‌ی انسانی پایدار در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اکولوژیکی به دنبال دست‌یابی انسان به رفاه و سلامتی، کسب دانش و مهارت، توجه به نیازهای نسل حاضر و آینده، عدالت اجتماعی بین نسلی و درون نسلی، فقرزدایی و... در سطح این کره‌ی خاکی است.

1. Tylor
 2. Bottom up
 3. Top down

مؤلفه‌های شاخص‌های توسعه‌ی انسانی

شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، اصول و ضوابطی هستند که دانشمندان و متخصصان رشته‌های مختلف علوم ازین موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی برای مقایسه‌ی کشورها و مناطق از نظر سطوح کمی و کیفی دستاوردها و استانداردها زندگی مردم در نظر گرفته‌اند (نظری، ۱۳۸۰: ۳).

بر اساس نظر سازمان ملل متحد، این شاخص‌ها رفاہ انسانی را در هر یک از کشورها مورد سنجش قرار می‌دهد، در حالی که شاخص‌های کلاسیک دیگر بدون توجه به انسان تنها رویکردی مهندس وار به اقتصاد دارند و حجم هر یک از متغیرهای کلان اقتصادی را مورد نظر قرار می‌دهند (UN, 2002: 25-28).

در زمینه‌ی توسعه‌ی انسانی، چهار شاخص عمده قابل طرح و بررسی است:

۱. شاخص توسعه‌ی انسانی: شاخص توسعه‌ی انسانی یک سنجش خلاصه برای توسعه‌ی انسانی است (غفرانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۹۲) که قابلیت گسترش و جایگزینی را دارا بوده و در هر کشوری برای بررسی تطبیقی و انتخاب مناطق، شهرها و یا نواحی به منظور بررسی و سنجش درجه‌ی توسعه‌ی آنها کاربرد دارد (زیاری، ۱۳۷۸: ۱۳۲).

بر اساس استانداردهای سازمان ملل متحد در تهیه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی از سه شاخص: امید به زندگی در بدو تولد، سطح آموزش و سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود.

شاخص توسعه‌ی انسانی، شاخص ترکیبی و مرکب از سه نماگر به شرح زیر است:

۱. طول عمر، که با امید به زندگی در بدو تولد، اندازه گیری می‌شود؛

۲. دسترسی به آموزش، که مشتمل بر میزان باسوادی بزرگسالان با ضریب ۲/۳ و نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی با ضریب ۱/۳ است؛

۳. سطح زندگی قابل قبول و استاندارد که با محصول ناخالص داخلی سرانه‌ی واقعی بر حسب برابری قدرت خرید اندازه گیری می‌شود. برای تعیین این شاخص، اندازه کمینه و بیشینه برای هر یک از این نماگرها تعیین شده است که عبارت‌اند از:

- امید به زندگی در بدو تولد: کمینه: ۲۵ سال و بیشینه: ۸۵ سال.

- میزان باسوادی بزرگسالان: کمینه: ۰ و بیشینه: ۱۰۰ درصد.

1. Human Development Index (HDI)

- نرخ ثبت نام ناخالص در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی: کمیته ۰ و بیشینه ۱۰۰ درصد. اندازه شاخص هر یک از نماگرهای بالا بر اساس رابطه‌ی زیر به دست می‌آید:

فرمول شماره (۱)

$$Xi (\text{Index}) = \frac{xi (\text{Real}) - xi (\text{Min})}{Xi (\text{Max}) - xi (\text{Min})}$$

۲. شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس^۱: شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس، به بررسی دستاوردهای حاصل شده در همان ابعاد مورد نظر در شاخص توسعه‌ی انسانی می‌پردازد و از همان معیارها نیز استفاده می‌کند (غفرانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۹۴). با این تفاوت که شاخص توسعه‌ی انسانی بر جنسیت، میزان موفقیت منطقه‌ی مورد نظر در زمینه‌ی ارتقای امید به زندگی، دسترسی به آموزش و کسب درآمد بیشتر برای افراد جامعه را با توجه به اختلاف زنان و مردان در برخورداری از آنها نشان می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۶۲).

در حقیقت این شاخص، تعدیل شده شاخص توسعه‌ی انسانی با توجه به نابرابری جنسیتی است. هر چه تفاوت‌های جنسی در توسعه‌ی پایه‌ی انسانی بیشتر باشد، شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس نسبت به شاخص توسعه‌ی انسانی پایین‌تر خواهد بود. همچنین این شاخص مقادیر بیشینه و کمیته‌ی امید به زندگی را بر پایه‌ی این واقعیت که زنان نسبت به مردان عمر طولانی‌تری دارند، تعدیل می‌نماید. از این رو بیشینه و کمیته‌ی اندازه‌ی امید به زندگی برای مردان را به ترتیب ۸۲/۵ سال و ۲۲/۵ سال و اندازه‌های متناظر آنها برای زنان را ۸۷/۵ و ۲۷/۵ سال در نظر می‌گیرد.

۳. شاخص توانمندسازی جنسیتی^۲: سنجی توانمندسازی جنسیتی نشان می‌دهد که آیا زنان در زندگی اقتصادی و سیاسی نقش دارند یا نه؟ این شاخص بر مشارکت تأکید می‌ورزد و نابرابری جنسیتی را در زمینه‌های کلیدی مشارکت سیاسی و اقتصادی و تصمیم‌گیری‌ها اندازه‌گیری می‌کند. در این شاخص، تعداد کرسی‌های زنان در مجلس، تعداد زنان قانون‌گذار، صاحب منصبان و مدیران ارشد و کارگران متخصص و فنی زن در نظر گرفته می‌شود. همچنین، به نابرابری جنسیتی در درآمد کسب شده، که نشان دهنده‌ی استقلال اقتصادی است، توجه دارد. در این شاخص برخلاف شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس، نابرابری در حیطه‌های خاصی از

1. Gender-Related Development Index (GDI)
2. Gender Empowerment Measure (GEM)

فرصت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد (غفرانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۹۴). برای برآورد اندازه‌ی شاخص توانمندی‌های جنسیتی، شاخص‌های سرانه‌ی بالا یعنی شاخص‌های میزان مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توان تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی و میزان مشارکت و توان تصمیم‌گیری سیاسی و توانمندی بر خورداری از امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر جمع شده و متوسط آنها به دست می‌آید (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۶۴).

۴. شاخص فقر انسانی^۱: شاخص توسعه‌ی انسانی، پیشرفت کلی یک منطقه (استان) را در دست‌یابی به توسعه‌ی انسانی می‌سنجد، ولی شاخص فقر انسانی نشان دهنده‌ی توزیع پیشرفت است و بقایای محرومیتی را، که همچنان باقی مانده است، اندازه می‌گیرد. معیارهای شاخص فقر انسانی در سنجش محرومیت، همان ابعاد به کاررفته در شاخص توسعه‌ی انسانی هستند (غفرانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۹۳).

این شاخص بر سه بعد از محرومیت تأکید می‌ورزد: طول عمر (بر مبنای احتمال عدم دست‌یابی به سن ۴۰ سالگی در بدو تولد)، دانش و آگاهی (بر مبنای نرخ بی‌سوادی بالغین) و ارائه‌ی خدمات اقتصادی، چه به صورت خصوصی و چه دولتی (نداشتن یک سطح زندگی قابل قبول از نظر امکانات و توانمندیهای اقتصادی). به منظور برآورد شاخص فقر انسانی، ابتدا هر کدام از شاخص‌های بالا در نظر گرفته می‌شود، سپس در چند مرحله یک شاخص وزنی برای شاخص توسعه‌ی انسانی محاسبه می‌شود که فرم نهایی آن بدین صورت است:

$$\text{HPI} = [1/3 (P_1^3 + P_2^3 + P_3^3)]^{1/3} - 1 \quad \text{فرمول شماره (۲)}$$

P_1 = درصدی از جمعیت استان، که انتظار رسیدن به سن ۴۰ سالگی را ندارند.

P_2 = محرومیت از دانش و آگاهی (درصد بی‌سوادی بالغین).

P_3 = محرومیت از داشتن یک سطح زندگی قابل قبول از نظر امکانات و توانمندیهای اقتصادی.

بررسی وضعیت و روند تحولات شاخص‌های توسعه‌ی انسانی ایران طی دوره‌ی (۱۳۸۴-۱۳۸۱)

• سال ۱۳۸۱: بر اساس معیارهای توسعه‌ی انسانی هر گونه بهبود در پارامترهای اقتصادی، وضعیت آموزشی و امید به زندگی، سطح توسعه‌ی انسانی را ارتقاء می‌دهد. شاخص آموزشی در سال ۱۳۸۱ در کل کشور

1. Human Poverty Index (HPI)

معادل ۸۲٪ بوده و بیشترین سهم را در شاخص توسعه‌ی انسانی داشته است. همچنین شاخص امیدبه زندگی در ایران در سال ۱۳۸۱، ۰/۷۴۱ بوده است.

بالاترین میزان امید به زندگی در کشورهای جهان ۸۵ سال است. بنابراین، مفهوم ۰/۷۴۱، نمایانگر آن است که امید به زندگی ایران ۷۴۱٪ امید به زندگی بالاترین کشور دنیا است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۲: ۲۴۱).

شاخص تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۱ معادل ۰/۶۹۷ بوده است. میزان رشد شاخص توسعه‌ی انسانی در اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۱، ۱/۰۱٪ بوده، به گونه‌ای که از ۰/۷۲۹ در سال ۱۳۸۰، به ۰/۷۴۱ در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. می‌توان گفت این رشد در نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری دولت در بخش آموزش، بهداشت و افزایش تولید و در نتیجه درآمد افراد در سال‌های اخیر می‌باشد. ترتیب تأثیرگذاری با آموزش، امید به زندگی و سپس شاخص درآمدی می‌باشد (جدول شماره ۱).

بنابراین، ایران در زمره‌ی کشورهای با توسعه‌ی انسانی متوسط قرار دارد. ضریب توسعه‌ی انسانی کشورهای با توسعه‌ی انسانی بالا بزرگتر از ۸۰٪ می‌باشد. ظرفیت‌سازی‌های اجتماعی در کنار سیاست‌های اقتصادی و اصلاح آنها و تدبیر درست سرمایه‌گذاری، از جمله مقوله‌های مهمی است که روند توسعه‌ی انسانی را دگرگون می‌سازد.

جدول شماره ۱. روند شاخص توسعه‌ی انسانی در ایران طی دوره‌ی (۸۴-۱۳۸۰)

سال	شاخص امید به زندگی	شاخص آموزش	شاخص تولید ناخالص داخلی	شاخص توسعه انسانی
۱۳۸۰	۰/۷۳۰	۰/۷۷	۰/۶۸۷	۰/۷۲۹
۱۳۸۱	۰/۷۴۱	۰/۸۲	۰/۶۹۷	۰/۷۴۱
۱۳۸۲	۰/۷۴۹	۰/۷۳	۰/۶۸	۰/۷۱۹
۱۳۸۳	۰/۷۵	۰/۷۴	۰/۷۰	۰/۷۳۲
۱۳۸۴	۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۷۱	۰/۷۳۶

مأخذ: اقتباس و تلخیص از گزارش‌های برنامه سازمان ملل از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۲، ص ۲۴۲.

• سال ۱۳۸۲: گزارش توسعه‌ی انسانی از معتبرترین گزارش‌های سالانه‌ی سازمان ملل متحد در خصوص وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهاست. از این رو براساس گزارش (برنامه توسعه‌ی سازمان ملل) ۲۰۰۳^۱، ایران از نظر شاخص توسعه‌ی انسانی در بین ۱۷۷ کشور با شاخص ۰/۷۱۹ در رتبه‌ی ۱۰۶ قرار گرفته است (UNDP, 2003:123-125). براساس این گزارش، ایران با نرخ امید به زندگی ۶۹/۸ سال شاخص ۷۴۹ را به خود اختصاص داده است. نرخ باسوادی بزرگسالان (۱۵ سال به بالا) ۷۷/۱٪ است، که به این ترتیب شاخص آموزش در ایران، ۷۳٪ است. همچنین سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی بر حسب قدرت خرید شش هزار دلار است که دارای شاخص ۰/۶۸ می‌باشد.

شاخص فقر انسانی کشورهای در حال توسعه، از جمله موارد مهمی است که در گزارش توسعه‌ی انسانی از اهمیت زیادی برخوردار است. به عبارت دیگر، این شاخص نشانگر فقدان سه بعد اساسی توسعه‌ی انسانی است (UN, 2003b: 127).

از نظر شاخص فقر انسانی، ایران در بین ۹۴ کشور در حال توسعه در رتبه‌ی ۳۱ قرار گرفته است. این شاخص در ایران، احتمال زنده نماندن تا ۴۰ سالگی در بدو تولد ۷٪ است. همچنین، نرخ بی سوادی بزرگسالان ۲۲/۹٪ و جمعیت بدون دسترسی دائمی و پایدار به منابع آب آشامیدنی ۸٪ می‌باشد (Ibid: 127).

• سال ۱۳۸۳: بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۴ سازمان ملل، ایران از نظر شاخص توسعه‌ی انسانی در بین ۱۷۷ کشور دنیا از رتبه ۱۰۶ در سال ۲۰۰۳ به رتبه‌ی ۱۰۱ در سال ۲۰۰۴ ارتقاء یافته است، همچنین ارزش این شاخص با ۱۰٪ افزایش در مقایسه با سال گذشته به ۷۳۲ رسیده است (UNDP, 2004:HDR).

بر اساس این گزارش، شاخص امید به زندگی به ۷۵٪ افزایش یافت، که متوسط امید به زندگی در ایران ۷۰/۱ سال بوده است. همچنین، شاخص تولید ناخالص داخلی در این سال ۷۰٪ بوده به گونه‌ای که سرانه‌ی ناخالص داخلی نیز بدون احتساب تورم ۱۶۵۲ دلار و با احتساب تورم ۶۶۹۰ دلار اعلام شده، که از این نظر در بین ۱۷۷ کشور و خاورمیانه به ترتیب رتبه‌های ۷۰ و ۹ را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر بدهی خارجی به میزان ۱۰ میلیارد دلار، ۹ کشور بدهکار در خاورمیانه می‌باشد.

1. United Nations Development Programme (UNDP)

بر اساس گزارش سازمان ملل ضریب جینی^۱ در ایران ۴۳ است، بنابراین، ۲٪ جمعیت این کشور در پایین‌ترین دهک درآمدی و ۵/۱٪ جمعیت کشور در دو دهک پایین درآمدی قرار داشته است، همچنین ۳۳/۷٪ مردم در بالاترین دهک درآمدی و ۴۹/۹٪ در دو دهک بالای درآمدی قرار دارند (Ibid).

از نظر شاخص فقر انسانی، ایران از بین ۹۵ کشور در حال توسعه در رتبه‌ی ۳۱ قرار گرفته، که ارزش این شاخص ۱۶/۴ بوده است. به گونه‌ای که در این سال، یک سوم جمعیت ایران زیر خط فقر قرار گرفته‌اند.

• سال ۱۳۸۴: بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۵ سازمان ملل، در بین ۱۷۷ کشور، ایران از رتبه‌ی ۱۰۱ در سال ۲۰۰۴ به رتبه‌ی ۹۹ در سال ۲۰۰۵ ارتقاء یافته است. ارزش شاخص توسعه‌ی انسانی که در سال ۲۰۰۴، ۷۳۲ بود، در سال ۲۰۰۵ با ۰/۰۴ افزایش به ۷۳۶ رسیده است (شاخص توسعه‌ی انسانی ایران در سال ۲۰۰۵، ۱۳۸۴). همچنین، بر اساس این گزارش، شاخص امید به زندگی در این کشور از ۷۵ در سال ۲۰۰۴، به ۷۶ در سال ۲۰۰۵ افزایش داشته و امید به زندگی در مردان از ۶۸/۸ سال در ۲۰۰۴ به ۶۹ سال در ۲۰۰۵ و در زنان نیز از ۷۱/۷ سال در سال ۲۰۰۴ به ۷۱/۹ سال در ۲۰۰۵ رسیده است. همچنین، سازمان ملل متحد با اعلام این که متوسط امید به زندگی در ایران در ۲۰۰۴، ۷۰/۱ سال بوده است، این رقم را در سال ۲۰۰۵، ۷۰/۴ سال اعلام کرده است (همان).

ارزش اسمی تولید ناخالص داخلی ایران ۱۳۷/۱ میلیارد دلار و سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی نیز ۲۰۶۶ دلار بوده، که از نظر سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی ایران رتبه‌ی ۷۰ را کسب کرده است. بر اساس این گزارش، شاخص تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۲۰۰۴، ۰/۷۰ بوده، که در سال ۲۰۰۵ به ۰/۷۱ رسیده است.

بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۵ سازمان ملل، شاخص توسعه‌ی جنسیتی در ایران ۰/۷۱۹ و در میان ۱۴۰ کشور رتبه ۷۸ را به خود اختصاص داده است (موقعیت ایران از نظر توسعه انسانی، ۱۳۸۴). در این گزارش، امید به زندگی برای زنان ایرانی ۷۱/۹ سال و برای مردان ۶۹ سال، نرخ باسوادی زنان ۷۰/۴٪ و نرخ باسوادی مردان ۸۳/۵٪، نرخ ثبت نام زنان در مقاطع قبل از دانشگاه ۶۵٪ و مردان ۷۲٪ و همچنین، متوسط درآمد زنان و مردان بر اساس جمعیت آنها و سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی به ترتیب ۳۰۹۵ و ۱۰۸۵۶ دلار اعلام شده است.

از نظر شاخص توانمندسازی جنسیتی، تنها ۳۰٪ از زنان ایرانی در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت دارند، که بدین ترتیب در میان ۱۶۵ کشور در رتبه‌ی ۱۵۵ و با شاخص ۰/۱۴۱ قرار گرفته است (همان).

1. Gini Index.

براساس گزارش توسعه‌ی انسانی سال ۲۰۰۵، ۳۰٪ زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی اعم از کشاورزی، صنعت و خدمات شاغل بوده و این درحالی است که بیش از نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند. ایران از نظر شاخص فقر انسانی، در میان ۱۰۳ کشور در حال توسعه، با شاخص ۰/۱۶/۴ در رتبه‌ی ۳۶ قرار گرفته است، به گونه‌ای که، بیش از ۲٪ ایرانی‌ها درآمدی کمتر از یک دلار در روز و ۷/۲٪ درآمدی کمتر از ۲ دلار دارند و ۲۳٪ از افراد بالای ۱۵ سال بی‌سواد بوده و ۱۱٪ از کودکان زیر ۵ سال وزنی کمتر از حد طبیعی دارند و همچنین، ۷٪ از جمعیت ایران به منابع آبی سالم و بهداشتی دسترسی دائمی ندارند (همان).

بررسی تطبیقی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی استان‌های کشور

تحولات سال‌های اخیر در فضای اقتصادی و اجتماعی کشور پس از جنگ تحمیلی، بر اساس برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باعث تغییرات مثبت شاخص توسعه‌ی انسانی در مناطق مختلف کشور شده است. اگرچه این تغییرات در تمام استان‌های کشور به صورت یکسان نبوده، ولی وجه مشترک بیشتر استان‌ها، روند صعودی این شاخص و ارتقاء کیفیت زندگی در آنهاست (پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۳: ۴۴).

شاخص آموزشی و شاخص امید به زندگی، دو جزء مهم توسعه‌ی انسانی به شمار می‌روند. جزء سوم، شاخص درآمدی است که به علت این که این جزء در استان‌ها به شکل ناهمگون است لذا، از اطلاعات درآمد- هزینه‌ی خانوار بانک مرکزی در سال ۱۳۸۱ به قیمت جاری استفاده شده است. با تقسیم درآمد خانوار در هر استان بر بعد خانوار، متوسط درآمد سرانه‌ی هر فرد محاسبه شده است.

براساس جدول شماره ۲، شاخص توسعه‌ی انسانی در استان‌های تهران، اصفهان، قزوین، گیلان، فارس و مازندران از سایر استان‌ها بالاتر بوده، که علت آن بالا بودن شاخص‌های درآمدی، سطح آموزش و وضعیت بهتر امید به زندگی در این استان‌هاست. بالاترین شاخص متعلق به استان تهران با شاخص معادل ۰/۷۸۵ و پایین‌ترین مربوط به سیستان و بلوچستان معادل ۰/۵۷۷ می‌باشد.

با این که شاخص توسعه‌ی انسانی بین ۰ و ۱ در نوسان است، لیکن تفاوت‌های آشکاری در شاخص توسعه‌ی انسانی مشاهده نمی‌شود. بر حسب ارقام شاخص توسعه‌ی انسانی، تفاوت بالاترین و پایین‌ترین آن ۰/۳ می‌باشد (استان تهران و سیستان و بلوچستان). اما باید توجه داشت که ضریب توسعه‌ی انسانی دارای تحولات بطئی

و کندی است، تغییر در اجزای آن به سادگی صورت نمی‌گیرد و مستلزم تلاش مستمری است تا کیفیت زندگی افراد و گروه‌های مختلف تغییر نماید.

شاخص توسعه‌ی انسانی استان‌های فقیر در مقایسه با استان‌های دارای شاخص توسعه‌ی انسانی بالاتر در یک دهه‌ی اخیر دارای روندی روبه رشد بوده است، همچنین استان‌هایی که به دلایل گوناگون به قطب رشد^۱ تبدیل شده‌اند دارای قابلیت‌های درون زایی برای تحولات اقتصادی و اجتماعی هستند. افزایش استان‌های فقیر از سرمایه‌گذاری‌ها، برخورداری از آزادی عمل در تصمیم‌سازی و تمرکززدایی در حیطه‌ی تصمیم‌گیری‌ها از جمله عوامل مؤثری هستند که می‌تواند توسعه‌ی هموارتر و منسجم‌تر را به دنبال داشته باشد (ملکی، ۱۳۸۴).

بالاترین میزان امید به زندگی استان‌های تهران، گیلان، اصفهان، یزد، قزوین و سمنان، به ترتیب رتبه‌های ۱ تا ۵ را به خود اختصاص داده‌اند و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و خراسان به ترتیب پایین‌ترین شاخص امید به زندگی را در کشور داشته‌اند.

استان‌های تهران و سیستان و بلوچستان، بالاترین و پایین‌ترین شاخص امید به زندگی (معادل ۰/۷۵ و ۰/۶۳) در میان استان‌های کشور بوده‌اند. همچنین، استان تهران با (۷۰سال) و سیستان و بلوچستان با (۶۳سال) بیشترین و کمترین میزان امید به زندگی در بین استان‌های کشور بوده، در حالی که متوسط این شاخص در کشور ۶۹ سال است.

از نظر شاخص آموزشی نیز استان تهران با شاخص معادل ۰/۹۰ رتبه‌ی اول را به خود اختصاص داده و استان‌های اصفهان، سمنان، فارس و یزد به ترتیب در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند. همچنین سیستان و بلوچستان با شاخص معادل ۰/۵۷ و با رتبه ۲۷ پایین‌ترین شاخص آموزشی در بین استان‌های کشور قرار گرفته است.

بر اساس اطلاعات درآمد- هزینه‌ی خانوار بانک مرکزی به جای شاخص درآمدی می‌توان گفت که مجدداً استان تهران با شاخص معادل ۰/۷۰۵ بالاترین و سیستان و بلوچستان با شاخص ۰/۵۱ در پایین‌ترین شاخص درآمدی در بین ۲۸ استان کشور قرار گرفته است و استان‌های قزوین، اصفهان، گیلان و بوشهر به ترتیب رتبه‌های دوم تا پنجم را به خود اختصاص داده‌اند و نیز استان‌های محروم کشور یعنی کردستان، اردبیل، کرمانشاه و کهگیلویه و بویراحمد پایین‌ترین رتبه‌های شاخص درآمدی- هزینه را دارند.

1. Growth Pole

به طور کلی، آنچه که از بررسی شاخص‌های توسعه‌ی انسانی استان‌های کشور دریافت می‌شود، عدم توجه به استان‌های محروم کشور با وجود اثبات محرومیت در آنها در طول سالیان گذشته است، به گونه‌ای که استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، اردبیل و کهگیلویه و بویراحمد در پایین‌ترین سطح توسعه‌ی انسانی نسبت به سایر استان‌های کشور قرار گرفته‌اند؛ که پایین بودن سطح درآمد‌ها، سطح پایین سرمایه‌گذاری زیربنایی و کیفیت پایین زندگی از جمله دلایل مهم در این خصوص است. عامل مشترکی که در روند توسعه‌ی انسانی اکثر استان‌ها به چشم می‌خورد، این است که شاخص‌های آموزشی و امید به زندگی آنها در مقایسه با شاخص درآمدی در وضعیت بهتری قرار دارند. همین‌طور در سال ۱۳۸۰ نیز این تفاوت در سطح کشور و در استان‌ها وجود داشته است.

جدول شماره ۲. شاخص توسعه‌ی انسانی در استان‌های کشور در سال ۱۳۸۱

رتبه	شاخص توسعه‌ی انسانی	رتبه	شاخص درآمدی	رتبه	شاخص آموزشی	رتبه	شاخص امید به زندگی	نام استان	رتبه
۱۷	۰/۶۸۸۵	۱۷	۰/۵۹۱۱	۱۹	۰/۷۶۴۵	۱۱	۰/۷۱	آذربایجان شرقی	۱
۲۵	۰/۶۶۱۹	۲۱	۰/۵۸۰۶	۲۵	۰/۷۱۵	۱۸	۰/۶۹	آذربایجان غربی	۲
۲۶	۰/۶۵۹۵	۲۶	۰/۵۵۴۸	۲۴	۰/۷۲۲	۱۴	۰/۷۰۱۷	اردبیل	۳
۲	۰/۷۴۹۱	۳	۰/۶۴۶۲	۲	۰/۸۵۴۵	۲	۰/۷۴۶۷	اصفهان	۴
۱۶	۰/۶۹۰۲	۹	۰/۶۱۶۶	۱۷	۰/۷۷۷۵	۲۱	۰/۶۷۶۷	ایلام	۵
۹	۰/۷۲۲۸	۵	۰/۶۳۵۶	۶	۰/۸۲۴۵	۱۲	۰/۷۰۸۳	بوشهر	۶
۱	۰/۷۸۴۸	۱	۰/۷۰۵۵	۱	۰/۸۹۹	۱	۰/۷۵	تهران	۷
۱۸	۰/۶۸۷۵	۱۴	۰/۵۹۹۰	۲۲	۰/۷۵۸۵	۱۳	۰/۷۰۵	چهارمحال و بختیاری	۸
۱۳	۰/۶۹۷۵	۱۲	۰/۶۰۴۴	۱۰	۰/۸۰۶۵	۲۰	۰/۶۸۱۶	خراسان	۹
۱۰	۰/۷۱۳۸	۸	۰/۶۱۷۲	۹	۰/۸۰۷۵	۸	۰/۷۱۶۷	خوزستان	۱۰
۲۲	۰/۶۷۷۱	۱۹	۰/۵۸۸۹	۲۳	۰/۷۴۷۵	۱۷	۰/۶۹۵	زنجان	۱۱
۸	۰/۷۲۳۳	۱۵	۰/۵۹۸۲	۳	۰/۸۴۳۵	۵	۰/۷۲۸	سمنان	۱۲
۲۸	۰/۵۷۶۹	۲۸	۰/۵۱۳۸	۲۷	۰/۵۷۸۵	۲۴	۰/۶۳۸۳	سیستان و بلوچستان	۱۳
۵	۰/۷۲۹۱	۶	۰/۶۲۸۴	۴	۰/۸۳۴	۷	۰/۷۲۵	فارس	۱۴

رتبه	شاخص توسعه ای انسانی	رتبه	شاخص درآمدی	رتبه	شاخص آموزشی	رتبه	شاخص امید به زندگی	نام استان	رتبه
۳	۰/۸۳۴۸	۲	۰/۶۶۰۷	۸	۰/۸۱۲	۴	۰/۸۳۱۷	قزوین	۱۵
۱۱	۰/۷۰۸۴	۲۰	۰/۵۸۲۷	۷	۰/۸۱۶	۶	۰/۷۲۶۷	قم	۱۶
۲۷	۰/۶۲۵۳	۲۷	۰/۵۵۰۶	۲۶	۰/۶۷۸۵	۲۳	۰/۶۴۶۷	کردستان	۱۷
۱۵	۰/۶۹۴۵	۱۸	۰/۵۹۰۳	۱۴	۰/۷۹۶۵	۱۶	۰/۶۹۶۷	کرمان	۱۸
۲۱	۰/۶۷۸۹	۲۵	۰/۵۶۳۲	۱۵	۰/۷۸۳۵	۱۸	۰/۶۹	کرمانشاه	۱۹
۲۴	۰/۶۶۵۷	۲۴	۰/۵۶۳۶	۱۸	۰/۷۶۵	۲۲	۰/۶۶۸۳	کهگیلویه و بویراحمد	۲۰
۱۴	۰/۶۹۷۳	۱۰	۰/۶۱۴۴	۱۶	۰/۷۷۹	۱۵	۰/۶۹۸۳	گلستان	۲۱
۴	۰/۸۳۱۷	۴	۰/۶۴۲۶	۱۲	۰/۸۰۲۵	۱	۰/۷۵	گیلان	۲۲
۲۳	۰/۶۷۲۲	۲۳	۰/۵۶۷۵	۲۰	۰/۷۶۲۵	۱۹	۰/۶۸۶۷	لرستان	۲۳
۶	۰/۷۲۵۲	۷	۰/۶۲۶۵	۱۱	۰/۸۰۴	۹	۰/۷۱۵	مازندران	۲۴
۱۲	۰/۷۰۷۹	۱۱	۰/۶۱۳۰	۱۳	۰/۷۹۷۵	۱۰	۰/۷۱۳۳	مرکزی	۲۵
۱۹	۰/۶۸۶۰	۱۶	۰/۵۹۳۱	۲۱	۰/۷۶	۱۳	۰/۷۰۵	هرمزگان	۲۶
۲۰	۰/۶۸۱۱	۲۲	۰/۵۶۹۶	۱۷	۰/۷۷۵۵	۱۵	۰/۶۹۸۳	همدان	۲۷
۷	۰/۷۲۴۱	۱۳	۰/۶۰۰۲	۵	۰/۸۳۲	۳	۰/۷۴	یزد	۲۸

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۲: ۲۴۸.

شاخص توسعه وابسته به جنس: تحلیل این شاخص در استان های کشور در سال ۱۳۸۱ نشان می دهد که متوسط امید به زندگی زنان در کشور ۷۰/۴ سال بوده، در حالی که متوسط امید به زندگی مردان برابر ۶۷/۶ سال بوده است. به گونه ای که در کل استان ها بدون استثناء میزان امید به زندگی زنان بیشتر از مردان بوده است. بیشترین فاصله امید به زندگی مردان و زنان مربوط به استان های فارس ۲/۳ سال، آذربایجان شرقی ۲/۲ سال، مازندران ۲/۱ سال و بوشهر ۲ سال بوده و کمترین اختلاف فاصله در استان های کهگیلویه و بویراحمد با ۰/۳ سال، لرستان با ۰/۸ سال، سیستان و بلوچستان با ۰/۸ سال و خراسان با ۰/۹ سال بوده است. در حالی که متوسط اختلاف امید به زندگی در مردان و زنان کشور ۲/۸ سال بوده است (ملکی، ۱۳۸۴).

از جمله عواملی که در افزایش امید به زندگی زنان نسبت به مردان در استان‌های کشور تأثیر فراوانی داشته‌اند، می‌توان به افزایش و توسعه‌ی خدمات بهداشتی در روستاها، کاهش باروری زنان، کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال، کاهش ازدواج دختران در سنین پایین اشاره کرد.

از نظر نرخ باسوادی زنان و مردان نیز، اختلافات شدید است و از ۱۶/۷٪ در استان آذربایجان غربی تا ۴/۸٪ در استان تهران متفاوت است. به عبارت دیگر، نرخ باسوادی زنان در آذربایجان غربی ۱۶/۷٪، سیستان و بلوچستان ۱۵/۱٪، اردبیل ۱۴/۱٪، زنجان ۱۲٪ و آذربایجان شرقی ۱۱/۸٪ پایین تر از نرخ باسوادی مردان است، در حالی که، این رقم در تهران ۴/۸٪، سمنان ۵/۳٪، یزد ۵/۷٪، کرمان ۵/۹٪، اصفهان ۶/۸٪ و فارس ۷/۷٪ است. به طوری که در هیچ کدام از استان‌های کشور نرخ باسوادی زنان بیشتر از مردان نیست (همان).

شاخص فقر انسانی از طریق حداقل سطح زندگی متعارف و محرومیت‌های اجتماعی در بلند مدت سنجش می‌شود (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۲: ۲۴۹).

یکی از شاخص‌هایی که در این خصوص مورد استفاده قرار می‌گیرد، محرومیت از سطح زندگی استاندارد است. این شاخص از میانگین غیروزی دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی و تعداد کودکان کم وزن تا قبل از سنین ۵ سالگی و تعداد جمعیتی که قبل از سن ۴۰ سالگی می‌میرند، محاسبه می‌شود. در سال ۱۳۸۱ دسترسی به آب بهداشتی در مناطق شهری و روستایی به ترتیب معادل ۹۸/۸ و ۸۷/۴٪ و میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال در کل کشور ۲۸/۶ در هزار بوده و این شاخص در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۲۷/۷ و ۳۰/۲ در هزار می‌باشد. با توجه به ترکیب جمعیت شهری و روستایی، درصد افراد فاقد دسترسی به آب آشامیدنی در کل کشور، معادل ۵/۴٪ کل جمعیت بالغ است. با منظور نمودن ضرایب بالا و در نظر گرفتن میانگین ساده‌ی میزان محرومیت از استانداردهای زندگی در کل کشور در ۱۳۸۱، معادل ۴/۱۳ برآورد می‌شود. با توجه به آمارهای استانی، شکاف‌های قابل ملاحظه‌ای در میان استان‌های کشور وجود دارد. به عنوان مثال، در سیستان و بلوچستان میزان دسترسی به آب آشامیدنی در مناطق روستایی معادل ۴۶٪ است که بهبود آن سرمایه‌ی هنگفتی را می‌طلبد تا نوعی تعادل منطقه‌ای در دسترسی به حداقل‌های زندگی وضعیت شاخص توسعه‌ی انسانی به دست آید (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳. میزان دسترسی به آب آشامیدنی در استان‌های کشور در سال ۱۳۸۱

ردیف	نام استان		ردیف	دسترسی به آب بهداشتی		نام استان	ردیف
	کل کشور	روستایی		شهری	روستایی		
		فارس	۱۴	۹۷/۸	۸۷/۴		
۱	آذربایجان شرقی	۸۲/۵	۹۷/۱	۱۵	۹۲/۳	۹۹/۷	۹۹/۷
۲	آذربایجان غربی	۷۹/۴	۹۹/۲	۱۶	۹۶/۱	۹۹/۷	۹۹/۷
۳	اردبیل	۷۶/۹	۹۷/۸	۱۷	۹۰/۴	۹۸/۸	۹۸/۸
۴	اصفهان	۹۷/۸	۹۹/۴	۱۸	۸۴/۴	۹۹/۸	۹۹/۸
۵	ایلام	۹۷/۱	۱۰۰	۱۹	۷۲/۴	۹۸/۸	۹۸/۸
۶	بوشهر	۹۴/۳	۹۷/۸	۲۰	۶۹/۲	۹۹/۸	۹۹/۸
۷	تهران	۹۹/۹	۹۹/۸	۲۱	۹۲/۶	۹۹/۹	۹۹/۹
۸	چهارمحال و بختیاری	۹۵/۲	۱۰۰	۲۲	۸۲/۸	۹۸/۴	۹۸/۴
۹	خراسان	۸۵/۱	۱۰۰	۲۳	۸۰/۸	۹۹/۷	۹۹/۷
۱۰	خوزستان	۸۷/۴	۹۹/۷	۲۴	۹۵/۳	۱۰۰	۱۰۰
۱۱	زنجان	۸۰/۶	۹۹/۸	۲۵	۹۵/۳	۹۹/۷	۹۹/۷
۱۲	سمنان	۹۹	۱۰۰	۲۶	۷۹/۸	۹۷/۷	۹۷/۷
۱۳	سیستان و بلوچستان	۴۹/۴	۸۷/۸	۲۷	۸۶/۳	۹۳/۲	۹۳/۲
				۲۸	۹۵/۶	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، سال ۱۳۸۲.

بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی استان ایلام

بررسی تطبیقی و تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در سطح استان‌های کشور، بیانگر بالا بودن پراکندگی شاخص توسعه‌ی انسانی در این سطح است. به طوری که مقدار این شاخص در استان تهران ۰/۸۴۲ و برای سیستان و بلوچستان ۰/۵۴۵ بوده و مقدار آن برای استان ایلام ۰/۶۷۵ می‌باشد. در جدول زیر وضعیت توسعه‌ی انسانی استان ایلام با توجه به چهار شاخص عمده در ساختار فضایی توسعه‌ی انسانی محاسبه گردیده

است و به مقایسه‌ی آن با استان تهران (به عنوان توسعه یافته ترین استان با رتبه ۱ در سطح ملی) و متوسط کشور پرداخته شده است.

جدول شماره ۴. وضعیت شاخص‌های توسعه‌ی انسانی استان ایلام در سال ۱۳۸۲

ردیف	شرح	استان ایلام	سهم استان ایلام (جایگاه)	رتبه	متوسط کشور	استان تهران
۱	شاخص توسعه انسانی	۰/۶۷۵	۸۵/۴	۲۲	۰/۷۹۰	۰/۸۴۲
۲	شاخص توسعه وابسته به جنس	۰/۵۲	۸۸/۱	۱۸	۰/۵۹	۰/۶۱
۳	شاخص توانمندسازی جنسیتی	۰/۲۲۶	۷۵/۳	۲۰	۰/۳۰۰	۰/۴۴۱
۴	شاخص فقر انسانی	۲۳/۷	۱۱۰/۷	۱۵	۲۱/۴	۱۱/۳

مأخذ: محاسبات نویسندگان بر اساس اطلاعات مأخوذه از گزارش‌های مشترک سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و سازمان ملل متحد.

تحلیل شاخص توسعه‌ی انسانی استان ایلام نشان می‌دهد این استان در بین ۲۸ استان کشور رتبه ۲۲ را به خود اختصاص داده که به لحاظ توسعه‌ی انسانی در سطح کشور در جایگاه نامناسبی قرار گرفته است. از مهمترین دلایل آن می‌توان شاخص امید به زندگی (۶۴ سال) با رتبه‌ی ۲۵، نرخ سواد بزرگسالان (۶۷٪) با رتبه ۲۲ و هزینه‌ی سرانه ناخالص (۱۴۰۹ هزار ریال) رتبه‌ی ۲۳ در سطح کشور اشاره کرد. با توجه به پایین بودن هزینه‌ی سرانه ناخالص در این استان، می‌توان گفت که با رشد اقتصادی کشور، توزیع درآمدها، تخصیص امکانات و منابع ملی منجر به افزایش امکانات، ثبات سرمایه و رشد هزینه‌ی سرانه ناخالص استان شده و بدین ترتیب توسعه‌ی انسانی در استان بهبود یافته و پراکندگی آن نسبت به متوسط ملی رفته رفته از بین برود. همچنین، نرخ ترکیبی ثبت نام در تمام مقاطع تحصیلی در استان ایلام ۸۳/۲٪ می‌باشد، که این نرخ ضمن این که از متوسط کشور (۷۵/۹٪) بیشتر می‌باشد، استان از نظر شاخص در جایگاه دوم بعد از کهگیلویه و بویراحمد (۸۶/۷٪) بیشترین نرخ در سراسر کشور است (ملکی، ۱۳۸۴).

جدول شماره ۵. وضعیت شاخص توسعه انسانی استان ایلام در سال ۱۳۸۲

شرح	استان ایلام	سهم استان ایلام (جایگاه)	رتبه	متوسط کشور	استان تهران
شاخص توسعه انسانی	۰/۶۷۵	۸۵/۴	۲۲	۰/۷۹۰	۰/۸۴۲
امید به زندگی (از بدو تولد) (سال)	۶۴	۹۲/۵	۲۵	۶۹/۲	۷۰/۵
نرخ باسوادی بزرگسالان (%)	۶۷	۹۱/۹	۲۲	۷۲/۹	۸۴/۷
هزینه سرانه ناخالص (هزار ریال)	۱۴۰۹	۷۴/۲	۲۳	۱۸۹۹	۳۰۵۷

مأخذ: همان

شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس در استان ایلام معادل ۰/۵۲ می‌باشد که در میان ۲۸ استان کشور در رتبه‌ی ۱۸ قرار دارد. از مهمترین دلایل پایین بودن این شاخص نسبت به متوسط کشور می‌توان، تفاوت زیاد بین نرخ باسوادی بزرگسالان مرد (۷۴/۴٪) و بزرگسالان زن (۵۸/۴٪) اشاره کرد که این تفاوت بین نرخ باسوادی مردان و زنان بزرگسال استان معادل (۱۵٪) می‌باشد. همچنین، سهم نسبی در آمد زنان استان معادل ۷/۸٪ بوده، که نسبت به متوسط کشور حدود ۲٪ فاصله داشته که ایلام را در رتبه (۱۸) در کشور قرار داده است (جدول شماره ۶).

براین اساس زنان استان ایلام هنوز نتوانسته‌اند از نظر شاخص های توسعه، مقام و جایگاه مناسبی پیدا کنند. براساس جدول زیر و آمارهای انتشار یافته از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز آمار ایران و یونسف، زنان ایلامی از نظر امید به زندگی، نرخ باسوادی بزرگسالان، تعداد متخصصان و دستیاران آنها، کارکنان خدماتی، کارکنان امور دفتری، نرخ فعالیت اقتصادی و سهم نسبی در آمدشان پایین تر از حد میانگین کشور قرار دارند و در مقابل، میزان محرومیت زنان، سهم زنان آسیب دیده (از کل کشور)، میزان باروری و نداشتن امید به زنده ماندن تا ۴۰ سالگی، نرخ بی سوادی بزرگسالان و... ارقامی بالاتر از حد میانگین کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند (پورنجف، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

جدول شماره ۶. وضعیت شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس و

شاخص توانمندسازی جنسیتی استان ایلام در سال ۱۳۸۲

شرح	استان ایلام	سهم استان ایلام (جایگاه)	رتبه	متوسط کشور	استان تهران
شاخص توسعه وابسته به جنس	۰/۵۲	۸۸/۱	۱۸	۰/۵۹	۰/۶۱
نرخ باسوادی مردان بزرگسال (%)	۷۴/۴	۹۳/۳	۱۶	۷۹/۷	۸۸/۷
نرخ باسوادی زنان بزرگسال (%)	۵۸/۴	۹۰/۱	۱۸	۶۵/۹	۸۰/۴
سهم نسبی درآمد زنان (%)	۷/۸	۹۳/۶	۱۸	۹/۴	۸/۷
شاخص توانمندسازی جنسیتی	۰/۲۲۶	۷۵/۳	۲۰	۰/۳۰۰	۰/۴۴۱

مأخذ: همان.

شاخص توانمندسازی جنسیتی در استان ایلام، ۰/۲۲۶ بوده که این شاخص فاصله‌ی زیادی نسبت به متوسط ملی (۰/۳۰۰) داشته و در سطح کشور در رتبه‌ی بیستم قرار گرفته است (جدول شماره ۶). با توجه به مقدار این شاخص می‌توان گفت که این شاخص در سطح مطلوبی قرار نگرفته است، به طوری که میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی استان ناچیز بوده و در فعالیت‌های اجتماعی جز در حیطه‌ی اشتغال و کار مزدگیری آن و همچنین در سطوح پست‌های پایین شغلی چندان فعال نبوده‌اند. لذا، باید با مشارکت زنان در مجلس شورای اسلامی، تشکلهای شورای شهر و روستا، شرکت در فعالیت‌های انتخاباتی، مشارکت و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... به رشد شاخص توانمندسازی جنسیتی در سطح استان ایلام توجه داشت.

شاخص فقر انسانی، میزان محرومیت از سطح استاندارد زندگی یا کمینه‌ی امکانات یک منطقه را نشان می‌دهد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۹: ۱۴۵). این شاخص برای استان ایلام معادل ۲۳/۷ می‌باشد، که از این نظر در میان استان‌های کشور پانزدهمین استان فقیر کشور به شمار می‌رود، یعنی در وضعیتی تقریباً پایین‌تر از حدود نیمی از مناطق مختلف کشور قرار دارد. استانی که از توسعه‌ی انسانی بالاتری برخوردار باشد، فقر

انسانی در آن نیز کمتر است و برعکس. از این رو استان ایلام که به لحاظ توسعه‌ی انسانی در سطح مطلوبی قرار ندارد، فقر انسانی در آن نیز بالاست (جدول شماره ۷).

از مهمترین علل اساسی فقر انسانی این استان می‌توان، بالا بودن نرخ بی‌سوادی بزرگسالان (۳۳٪) و پایین بودن نسبت هزینه‌ی سرانه ناخالص برای ۲۰٪ فقیرترین افراد (۴۳۵ هزار ریال) در مقایسه با هزینه‌ی سرانه ناخالص برای ۲۰٪ غنی‌ترین افراد (۲۸۶۸ هزار ریال) استان که در حدود (۱۵/۲٪) می‌باشد، ذکر کرد.

با توجه به این که هزینه‌ی سرانه‌ی ناخالص مردم استان ایلام بسیار پایین‌تر از رقم متوسط آن در سطح کشور است، ساختار توزیع درآمد استان به گونه‌ای است که شکاف درآمدی (فاصله طبقاتی) نسبتاً عمیقی بین فقیرترین افراد و غنی‌ترین آنها وجود دارد. لذا سیاست‌های توزیع درآمدی باید به گونه‌ای باشد که توزیع ثروت، درآمد و امکانات را در بین افراد استان عادلانه تخصیص نماید، توصیه‌ی سیاسی مهم برای کاهش شکاف طبقاتی، برخورداری نسبی افراد و در نهایت کاهش فقر انسانی است، ضمن این که سرمایه‌گذاری در امر آموزش بزرگسالان، می‌تواند شاخص فقر انسانی را در استان تعدیل نماید.

جدول شماره ۷. وضعیت شاخص فقر انسانی در استان ایلام در سال ۱۳۸۲

استان	متوسط	رتبه	سهم استان	استان	شرح
تهران	کشور		ایلام (جایگاه)	ایلام	
۱۱/۳	۲۱/۴	۱۵	۱۱۰/۷	۲۳/۷	شاخص فقر انسانی
۱۵/۳	۲۷/۱	۱۰	۱۲۱/۸	۳۳	نرخ بی‌سوادی بزرگسالان (٪)
۸۳۲	۴۳۰	۹	۱۰۱/۲	۴۳۵	هزینه سرانه ناخالص برای ۲۰٪ فقیرترین افراد (هزار ریال)
۷۰۱۱	۴۵۳۷	۲۳	۶۳/۲	۲۸۶۸	هزینه سرانه ناخالص برای ۲۰٪ غنی‌ترین افراد (هزار ریال)
۱۹/۴	۱۹/۷	۴	۹۶/۹	۱۹/۱	جمعیت زیر خط فقر (٪)

مأخذ: همان.

باید به این نکته توجه داشت که شاخص توسعه‌ی انسانی وابستگی زیادی به هزینه‌ی سرانه‌ی ناخالص استان داشته و حاکی از آن است که لازمی دست‌یابی به توسعه‌ی انسانی بالا، دست‌یابی به رشد اقتصادی است.

همچنین، لازمه‌ی کاهش تفاوت‌های موجود بین شاخص توسعه‌ی انسانی و سطح متوسط کشور، بهره‌مندی متناسب استان از مواهب، امکانات، سرمایه‌ها و در نهایت منافع حاصل از رشد اقتصادی کل کشور است. لذا چنانچه توسعه‌ی استان به مفهوم توسعه‌ی پایدار آن مورد توجه باشد، شاخص توسعه‌ی انسانی می‌تواند یکی از شاخص‌های مهم استان ایلام تلقی شود. از این رو باید در زمینه‌ی افزایش سرمایه‌گذاری جهت باسواد‌ی در ترکیب بزرگسالان، مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، شناخت زمینه‌های مولد اقتصادی برای گسترش اشتغال مولد در استان، افزایش درآمد سرانه و ارایه‌ی امکانات و توسعه‌ی خدمات بهداشتی توجه داشت تا استان ایلام از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی به رتبه‌های بالاتر ارتقاء یابد.

جدول شماره ۸ وضعیت توسعه‌ی انسانی و مؤلفه‌های آن در استان ایلام

ردیف	شرح	استان ایلام	سهم (جایگاه) استان	رتبه	متوسط کشور	استان تهران
۱	شاخص توسعه انسانی	۰/۶۷۵	۸۵/۴	۲۲	۰/۷۹۰	۰/۸۴۲
	امید به زندگی (از بدو تولد/سال)	۶۴	۹۲/۵	۲۵	۶۹/۲	۷۰/۵
	نرخ باسواد‌ی بزرگسالان(%)	۶۷	۹۱/۹	۲۲	۷۲/۹	۸۴/۷
	هزینه سرانه ناخالص (هزار ریال)	۱۴۰۹	۷۴/۲	۲۳	۱۸۹۹	۳۰۵۷
۲	شاخص توسعه وابسته به جنس	۰/۵۲	۸۸/۱	۱۸	۰/۵۹	۰/۶۱
	نرخ باسواد‌ی مردان بزرگسال(%)	۷۴/۴	۹۳/۳	۱۶	۷۹/۷	۸۸۷
	نرخ باسواد‌ی زنان بزرگسال(%)	۵۸/۴	۹۰/۱	۱۸	۶۵/۹	۸۰/۴
	سهم نسبی درآمد زنان(%)	۷/۸	۹۳/۶	۱۸	۹/۴	۸۷
۳	شاخص توانمندسازی جنسیتی	۰/۲۲۶	۷۵/۳	۲۰	۰/۳۰۰	۰/۴۴۱
۴	شاخص فقر انسانی	۲۳/۷	۱۱۰/۷	۱۵	۲۱/۴	۱۱/۳
	نرخ بیسواد‌ی بزرگسالان(%)	۳۳	۱۲/۸	۱۰	۲۷/۱	۱۵/۳
	هزینه سرانه ناخالص برای ۲۰٪ فقیرترین افراد(هزار ریال)	۴۳۵	۱۰۱/۲	۹	۴۳۰	۸۳۲
	هزینه سرانه ناخالص برای ۲۰٪ غنی‌ترین افراد(هزار ریال)	۲۸۶۸	۶۳/۲	۲۳	۴۵۳۷	۷۰۱۱
	جمعیت زیر خط فقر(%)	۱۹/۱	۹۶/۹	۴	۱۹/۷	۱۹/۴

مأخذ: اطلاعات مستخرج از جداول فوق.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که استان‌های: تهران، اصفهان، قزوین، گیلان، فارس و یزد به ترتیب از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی از سایر استان‌ها بالاتر بوده که در مقابل سیستان و بلوچستان، کردستان، اردبیل و کهگیلویه و بویراحمد به دلایل پایین بودن سطح درآمدها، سرمایه‌گذاری زیربنایی و کیفیت زندگی در پایین‌ترین سطوح توسعه‌ی انسانی نسبت به سایر استان‌های کشور قرار گرفته‌اند. عامل مشترک در روند توسعه‌ی انسانی بیشتر استان‌ها، این است که شاخص‌های آموزشی و امید به زندگی آن‌ها، در مقایسه با شاخص درآمدی، در وضعیت بهتری قرار دارند.

بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه‌ی انسانی استان ایلام (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که این استان به لحاظ توسعه‌ی انسانی در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته است، به گونه‌ای که از نظر شاخص توسعه‌ی انسانی رتبه‌ی ۲۲ را در میان استان‌های کشور داراست. همچنین، از نظر شاخص امید به زندگی در رتبه‌ی ۲۵ با متوسط عمر ۶۴ سال بوده که بیانگر متوسط نسبتاً پایینی است و دلیل آن نیز توزیع نامناسب خدمات و نبود مراقبت‌های بهداشتی به اندازه کافی است. مرگ و میر، به‌ویژه کودکان زیر ۵ سال برابر با (۷۰/۱ در هزار تولد زنده) است، که نرخ بالایی را در استان نشان می‌دهد و از این نظر پس از سیستان و بلوچستان (۸۹/۷)، کردستان (۸۶/۷) و کهگیلویه و بویراحمد (۷۴/۸ در هزار تولد زنده) بیشترین مقدار را در سطح کشور دارا بوده و در این خصوص رتبه‌ی چهارم را به خود اختصاص داده است. که این موضوع نیز یکی از دلایل پایین بودن میزان شاخص توسعه‌ی انسانی در این استان است. همچنین، نرخ باسوادی بزرگسالان ۶۷٪ (حدود ۳۳٪ نری سواد) باعث شده است که به طور کلی به لحاظ شاخص آموزش در رتبه‌ی ۲۲ در سطح کشور قرار بگیرد. از نظر هزینه‌ی سرانه ناخالص می‌توان گفت که به دلیل کمبود امکانات، نرخ پایین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری (سهم استان در کل کشور کمتر از ۰/۰۱٪) سرانه‌ای در حدود ۱۴۰۹ هزار ریال باشد.

شاخص دیگر، شاخص توسعه‌ی وابسته به جنس است، که در این استان نرخ ثبت نام ناخالص زنان در آموزش ابتدایی حدوداً ۹۴٪ است و با کاهشی حدود ۶۲٪ در دوران متوسطه می‌رسد. از دوره‌ی متوسطه تا دانشگاه نیز یک کاهش شدید تحصیلی اتفاق می‌افتد، زیرا درصد دانشجویان زن کمتر از ۱٪ (حدود ۶۳٪) است، که این موضوع باعث شده تا مشارکت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی استان کاهش یابد و نسبت به سایر استان‌های کشور کمتر شود. بدین صورت که نرخ فعالیت اقتصادی زنان حدوداً

۱۳٪ بوده که عمده‌ی آن در فعالیت‌های فامیلی و خانوادگی بدون مزد است، لذا با توجه به این موارد استان ایلام از نظر شاخص توانمندسازی جنسیتی در بین استان‌های کشور با رتبه‌ی ۲۰ قرار گرفته، که فاصله‌ی زیادی نسبت به متوسط کشور (۳۰۰٪) دارد و در سطح نامطلوبی قرار گرفته است، به طوری که سهم زنان در کل نیروی کار حدود ۱۱٪ است و از نظر شاخص سهم نسبی آنان از درآمد استان، به حدود ۸٪ (۷/۸٪) محدود گردیده است که به لحاظ سهم بیشتر مردان در منابع درآمد خانوارها، باعث تشدید قدرت تصمیم‌گیری آنها در زندگی روزمره شده است.

از نظر شاخص فقر انسانی، حدود ۲۰٪ جمعیت استان ایلام زیر خط فقر زندگی می‌کنند. به لحاظ جمعیت زیر فقر، رتبه چهارم را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است، یعنی چهارمین استان فقیر کشور به شمار می‌رود. نسبت در آمد ۲۰٪ فقیرترین خانوارها به ۲۰٪ ثروتمندترین آنها در استان ایلام حدود ۱۵٪ می‌باشد. این نسبت همچنین نشان می‌دهد که شکاف درآمدی عمیقی بین سطوح مختلف درآمدی وجود دارد. این فاصله طبقاتی هم در مناطق شهری و هم مناطق روستایی با شدت بیشتری وجود دارد و این موضوع باعث شده تا همه‌ی مردم قادر به استفاده از امکانات مختلف نباشند.

این استان یکی از استان‌های جوان کشور است، که از یکسو با نرخ بیکاری بالا (حدود ۲۲-۲۰٪) و از سوی دیگر با درآمد سرانه‌ی پایین، حجم زیادی از جمعیت، حداقل‌های قابل قبول معیشت را ندارند.

در نهایت می‌توان گفت که استان ایلام از نظر شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در میان استان‌های کشور در جایگاه نامناسبی قرار گرفته است، بدین صورت که از نظر شاخص توسعه‌ی انسانی رتبه‌ی ۲۲، شاخص توسعه وابسته به جنس در رتبه‌ی ۱۸، شاخص توانمندسازی جنسیتی در رتبه‌ی ۲۰، شاخص فقر انسانی در رتبه‌ی ۱۵ و جمعیت زیر خط فقر آن حدود ۲۰٪ چهارمین استان فقیر کشور بوده، که وضعیت نامطلوب این استان ناشی از عواملی از این قبیل است: کمبود امکانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...، پایین بودن هزینه‌ی سرانه ناخالص و درآمد سرانه، نرخ اندک پس انداز و کمبود سرمایه‌گذاری، امید به زندگی پایین و میزان بالای بی‌سوادی بزرگسالان (حدود ۳۳٪). تنها مؤلفه‌ای که مقداری توسعه‌ی انسانی را در استان ایلام تقویت کرده است، نرخ ترکیبی ثبت نام در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی (۸۳/۲٪) است که عمده‌ی آن تا مقطع دیپلم بوده و متأسفانه به دلایل گفته شده در بالا، این استان از این نرخ بالای ثبت نام و این موج عظیم متقاضی تحصیل، سودی نکرده و آموزش در آن حده‌ی که مورد نیاز است نتیجه نمی‌دهد. بدین لحاظ، افزایش سرمایه‌گذاری برای افزایش

باسوادی در ترکیب بزرگسالان استان از یکسو، و شناخت زمینه‌های مولد اقتصادی و سرمایه‌گذاری برای گسترش و اشتغال مولد در استان، به گونه‌ای که منجر به افزایش درآمد سرانه و ایجاد امکانات اقتصادی، اجتماعی مردم شود، از سوی دیگر، می‌تواند در افزایش میزان توسعه‌ی انسانی مؤثر باشد. در نهایت این که باید به مؤلفه‌های شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، بخصوص در زمینه‌ی سطوح آموزشی، مشارکت زنان در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، درآمد سرانه و آرایه‌ی امکانات و توسعه‌ی خدمات بهداشتی در این استان محروم، توجه داشت تا در آینده‌ی نزدیک وضعیت این استان از نظر توسعه‌ی انسانی بهبود یافته و موقعیت آن میان سایر استان‌های کشور مطلوب گردد.

منابع و مآخذ

۱. احمدیان، امیر (۱۳۸۰): *اولین گزارش توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۷۸*، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.
۲. بشیرزادگان، فرهاد (۱۳۸۰): «محیط زیست و توسعه‌ی پایدار»، فصلنامه محیط زیست، (۳۶): ۶ پاییز.
۳. پاپلی یزدی، محمدحسین و محمدامیر ابراهیمی (۱۳۸۱): *نظریه‌های توسعه‌ی روستایی*، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۴. پورمحمدی، محمدرضا و نادر زالی (۱۳۸۳): «توسعه‌ی انسانی، چالش‌ها و چشم‌اندازها (بانگ‌های توسعه‌ی انسانی در ایران)»، نشریه‌ی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز (۱۵): ۱۰، بهار.
۵. پورنجف، حیران (۱۳۸۳): «بررسی وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان ۴۹-۱۵ ساله مناطق شهری ایلام»، فصلنامه‌ی فرهنگ ایلام (۱۱ و ۱۲)، پاییز و زمستان.
۶. تیلر، دانیل و کارل، ای، تیلر (۱۳۷۸): *توسعه‌ی انسانی پایدار متکی به جامعه، (ترجمه)*، انتشارات توسعه‌ی روستایی، تهران.
۷. حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰): *برنامه ریزی ناحیه‌ای*، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۸. دارابی، علی (۱۳۷۹): «توسعه‌ی پایدار، مفاهیم و محدودیت‌ها»، فصلنامه‌ی مسکن و انقلاب، (۸۹): بهار.
۹. زندگی آبادی، علی و مهین نسترن (۱۳۸۰): «گفتمان تمدن‌ها: اصولی‌ترین راهکار دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار انسانی»، ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی (۱۶۸-۱۶۷): ۱۵، مرداد و شهریور.
۱۰. زیاری، کرامت‌اله (۱۳۷۸): *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه یزد.

۱۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۷۹): گزارش ملی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۲): گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۲ و نظارت بر عملکرد چهارساله‌ی اول برنامه‌ی سوم توسعه، جلد اول، تهران.
۱۳. صفوی، بیژن (۱۳۸۳): «نگاهی به مبانی توسعه در استان ایلام با تاکید بر متغیرهای فرهنگی»، مجموعه مقالات بررسی موانع فرهنگی توسعه با نگاه ویژه به استان ایلام، چاپ اول.
۱۴. غفرانی، حسین، و دیگران (۱۳۸۲): گزارش توسعه‌ی انسانی سال ۲۰۰۳، اهداف توسعه هزاره: پیمانی میان ملت‌ها برای پایان دادن به فقر، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران.
۱۵. ملکی، سعید (۱۳۸۲): «شهر پایدار و توسعه‌ی پایدار شهری»، فصلنامه‌ی مسکن و انقلاب، (۱۰۲): ۳۴-۵۴، تابستان.
۱۶. ملکی، سعید (۱۳۸۴): «نگاهی به شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در ایران»، مقاله‌ی ارائه شده به نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۷. نظری، اصغر (۱۳۸۰): «تحلیلی بر مقایسه‌ی گزیده شاخص‌های مهم توسعه‌ی انسانی ایران و کشورهای همجوار (۱)»، مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا (۵۴): زمستان.
18. Hijab, Nadia (2003): *Using process indicators to monitor maternal health. Background note for Human Development Report 2003*. United Nations Development Programme, Human Development Report Office, New York.
19. UNDP (2003): *Measuring healthy life expectancy. Background note for Human Development Report 2003*. United Nations Development Programme, Human Development Report Office, New York.
20. ——— (2004): *HDR 2004*. [www.undp.org/hipc/progress.to.date/status_table_Mar 03.pdf].
21. UN (United Nations) (2003a): *Millennium indicators database*. Department of Economic and Social Affairs, Statistics Division, New York. [http://millenniumindicators.un.org].
22. ——— (2003b): *World population prospects 1950-2050: The 2002 Revision. Database*. Department of Economic and Social Affairs, Population Division, New York.
23. ——— (2002): *World urbanization prospects: The 2001 Revision*. Department of Economic and Social Affairs, Population Division, New York.
24. www.donya-e-qtasad.com/its/connect/archives-3k-similarpages/links موقعیت ایران از نظر توسعه‌ی انسانی، ۱۳۸۴
25. www.omran.net/tsb.mpo/framework.jsp?sid.35/20-35.htm «شاخص‌های توسعه‌ی انسانی ایران در سال ۲۰۰۵، ۱۳۸۴»